

جمع عرفی در تعارض روایات بیماری‌های واگیردار و دلالت بر فاصله‌گذاری اجتماعی

سعید سلیمانی*

چکیده

یکی از ابواب مهم علم اصول فقه، تعارض بین أدله و جمع بین آنها است و تاکنون کسانی بوده‌اند که بدون توجه به این آموزه‌ها برداشت‌های ناصحیح از متون دینی ارائه داده‌اند. هدف این مطالعه بیان عدم تنافی و تعارض بین روایات بیماری‌های واگیردار است و اینکه اسلام نه تنها منکر بیماری‌های واگیردار نبوده بلکه در مورد این نوع بیماری‌ها آموزه‌هایی در صدد حفظ جان انسان‌ها و قطع کردن زنجیره‌ی انتقال بیماری‌واگیردار داشته است. در این راستا منابع روایی و اصول فقه براساس کلید واژه‌های: بیماری واگیردار، کووید ۱۹، انکار بیماری واگیردار، أدله اثبات بیماری واگیردار، جمع بین روایات، تعارض روایات، تعارض مستقر و غیرمستقر، بررسی و بخش عمده‌ای از ادله دو نظریه موجود جمع آوری و به بحث گذاشته شد و در نهایت با کمک از قواعد اصولی و حدیثی به صورت بی طرف به نتیجه رسیدیم.

واژگان کلیدی: بیماری واگیردار، جمع بین روایات، تعارض مستقر و غیرمستقر.

*. فارغ التحصیل سطح چهار فقه و اصول و سطح چهار اسلام و مطالعات اجتماعی مؤسسه حوزوی امام رضا (ع)، استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی کرمان، ایران.

مقدمه

در منابع دینی قبل از اسلام آموزه‌هایی در جهت دستیابی به تندرستی و مقابله با بیماری که مبتنی بر تجربیات و آموخته‌های آنها بوده وجود دارد^۱ دین اسلام نیز مناسب با مسائل و مصادیق موجود در آن روزگار آموزه‌هایی در مورد بیماری‌ها دارد که در روایات و برخی منابع تفسیری موجودند.

نوشته حاضر در صدد رفع تعارض بین روایات دال بر بیماری واگیر دار و غیر آن و در صدد تبیین وجه جمع و عدم تعارض و در نهایت جمع عرفی بین گزاره‌ها و دستورات دینی در باب بیماری‌های واگیردار و دلالت روایات بر فاصله‌گذاری اجتماعی در دوران بیماری‌های واگیردار است.

این مهم بعد از بیان دو اصطلاح، طی سه مرحله قابل طرح است و در نهایت نتیجه‌گیری می‌شود:

تعارض: در قاموس علم اصول فقه تعارض آن است که هر یک از دو دلیل دیگری را تکذیب نموده و دلالت بر بطلان و دروغ بودن دیگری کند و هر دو قابل جمع نباشند.^۲ تعارض بر دو گونه است: تعارض مستقر: تنافی دو دلیل به گونه‌ای که با استفاده از قواعد جمع عرفی و با تفکر پیرامون أدله، نتوان تنافی را رفع کرد. و تعارض غیر مستقر در مقابل قسم اول قرار دارد.^۳

جمع عرفی: جمع بین دو دلیل که عرف عام و عقلای عالم آن را می‌پسندند و در محاورات خود عملاً از آن بهره می‌گیرند از قبیل دلیل عام و دلیل خاص که عرف مردم به وسیله دلیل خاص، عام را تخصیص می‌زنند و از آن تعبیر به

۱. اکبر میر صالحیان؛ مصیب دالوند، تاریخچه بیماری‌های عفونی باکتریایی شایع در ایران، صص ۲۳۰-۲۳۸.

۲. صدر، محمدباقر، بحوث فی علم الأصول، ج ۷، ص ۴۲.

۳. سبحانی، جعفر، إرشاد العقول الی مباحث الأصول، ج ۴، ص ۳۵۸.

«قاعده جمع» می‌شود و مدرک آن سیره عقلاء است که در محاورات خودشان دارند و شارع مقدّس هم شیوه جدیدی را پی نگرفته و همان سیره را دنبال کرده است.^۱

بحث: در مراحل سه گانه

مرحله اول: أدله منکران واگیر در بیماری‌ها^۲

۱- روایت «... لَا عَدْوَى وَلَا طَيْرَةَ...» یعنی «نه واگیر هست و نه بدفالی و نه...» در کتاب «الکافی» سندی از این حدیث نقل شده^۳ که همه راویان آن در کتب رجالی توثیق خاص دارند بجز «النَّضْرُ بْنُ قِرْوَاشٍ الْجَمَّالُ» که ایشان در کتب رجالی توثیق خاص ندارد ولی از کسانی است که «أحمد بن محمد بن أبی نصر بزنطی» از او روایت نقل کرده است و شیخ طوسی در «العدة فی أصول الفقه» می‌نویسد: «أحمد بن محمد» شخصیتی بوده که از غیر ثقه روایتی نقل نمی‌کرده است.^۴

راوی از امام صادق علیه السلام پرسید: «شترانی دچار بیماری جَرَب (کچلی پوست) هستند و من آنها را از میان شتران خود کنار می‌زنم از ترس اینکه بیماری آنها به شتران دیگر سرایت کند. بسا که برای چهارپا سوت می‌زنم تا آب بنوشد». امام صادق علیه السلام در پاسخ فرمود: «یک اعرابی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و عرض کرد: یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، من گوسفند یا گاو یا شتری را که بیماری جرب دارد را به بهای

۱. محقق خراسانی، محمد کاظم بن حسین، کفایة الأصول، صص ۴۴۱، ۳۰۳، ۴۳۹، ۳۰۸.

۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۶، ص ۹۶. و درس خارج آیت الله قانعی (حفظه الله)، مسائل پزشکی، جلسه ۱۹ تا ۳۵، سال ۱۳۹۹، قم مقدس.

۳. مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِیْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ قَالَ أَخْبَرَنَا النَّضْرُ بْنُ قِرْوَاشٍ الْجَمَّالُ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَاعَبْدَ اللَّهِ علیه السلام...

۴. طوسی، محمد بن حسن، العدة فی أصول الفقه، ج ۱، ص ۱۵۴؛ ر.ک: سبحانی، جعفر، کلیات فی علم الرجال، صص ۲۸۱-۲۶۹؛ کتبی، محمد بن عمر، رجال الکشی، ص ۵۵۶.



اندک به دست می‌آورم و از خریدن آن‌ها نگرانم و از آنها متنفرم از بیم اینکه بیماری جرب آن‌ها بیشتر شده و به گوسفند و شتر سالم خودم سرایت کند. رسول خدا ﷺ فرمود: ای اعرابی این بیماری از چه کسی و از کجا بدان اولی سرایت کرده است؟! سپس رسول خدا ﷺ فرمود: نه واگیر هست و نه بدفالی و...»^۱.

بررسی دلیل اول: همانطور که در بیان اصطلاحات مطرح شد، تعارض بر دو قسم است و این نوع تعارض غیرمستقر است چون تنافی دو دلیل به گونه‌ای است که با استفاده از قواعد جمع عرفی و با تفکر پیرامون أدله، می‌توان تعارض را رفع کرد.

جمع عرفی باعث عدم انعقاد ظهور قطعی حدیث «لا عدوی» در نفی واقعیت بیماری‌های واگیردار می‌شود در نتیجه با حدیث «لا عدوی» نمی‌توان بر نفی بیماری واگیردار استدلال کرد.

جمع عرفی ۱: مراد از حدیث «لا عدوی»، نفی علیّت و تأثیر استقلال طبیعت در سرایت و واگیر بیماری است. در علم بلاغت قاعده‌ای هست که متکلم در هر کلامی به منزله پزشک و مخاطب او به منزله بیمار است و پزشک باید مطابق با بیماری مریض نسخه صادر کند؟^۲ لذا حدیث مورد بحث در مقابل مخاطبی طرح شده است که به مشیّت و اراده الهی معتقد نبوده و أسباب طبیعی را علت تامّه حوادث در عالم می‌دانسته است. پس سرایت و واگیر علیّت استقلال را خارج از اراده الهی ندارد و سرایت و واگیر از أسبابی است که خداوند

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۸، صص ۱۰۸، ۱۹۶ و ج ۲، صص ۱۲۳، ۲۵۴؛ سلیمانی، سعید، توضیح مضمونی کتاب مغنی الادیب، صص ۲۴، ۲۵؛ فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۲، ص ۲۱۳؛ صدوق، محمّد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۵۷ و ج ۴، ص ۳۵۷؛ مازندرانی، محمد صالح بن احمد، شرح الکافی - الأصول والروضه، ج ۸، صص ۳۳۵ و ج ۱۲، صص ۴۲، ۲۴۶.

۲. هاشمی، احمد، جواهر البلاغة، صص ۵۵، ۲۰۰.

متعال آن را سبب قرار داده است همان‌طور که آتش را سبب سوزاندن قرار داده است. لذا سرایت و واگیر هم یکی از اسباب و علل طبیعی است که مخلوق خداوند متعال است و این با توحید و توکل و انحصار خالقیت و علیت در خداوند متعال منافات ندارد. طبق این احتمال نفی واقعیت سرایت حتی در مورد روایت که جرب در حیوان خاص باشد هم وجود ندارد.^۱

جمع عرفی ۲: مراد از تعبیر «لا عدوی»، نفی سرایت و واگیر نیست بلکه نفی برخی از آثار واگیر است. یعنی نفی موضوع، به داعی نفی آثار نه به داعی حکایت از واقع و تکوین؛ که نتیجه نفی واگیر و سرایت بشود. استعمال ترکیب لای نفی جنس به همراه اسم و حذف خبر آن در این معنا بسیار متداول است و تعابیری مثل «لا ضرر»، «لا حسد»، «لا طيرة»، «لا شؤم» و... همه از این قبیل است یعنی مراد نفی وقوع خارجی حسد و ضرر و طيرة و... نیست بلکه منظور نفی ترتیب آثار است. یعنی مثلاً بر فال بد زدن یا حالت حسادت و... ترتیب اثر ندهید و گرنه وقوع حسد در خارج مسلم و روشن است. با توجه به این احتمال مراد از «لَا عَدَوِي» این است که بر احتمال وقوع سرایت و واگیر ترتیب اثر ندهید به اینکه کارهای غیر عاقلانه انجام دهید و مثلاً از آن شهری که بیماری در آن است فرار کنید.^۲

جمع عرفی ۳: این مورد از کلام مولی صالح مازندرانی قابل استفاده است. طبق این احتمال مراد از «لَا عَدَوِي» نفی وقوع خارجی سرایت و واگیر است و این یک عام قابل تخصیص است و برخی مشخصات در روایات آمده مثل وباء و طاعون و جزام و برخی نیامده مثل کرونا و...^۳

۱. مازندرانی، محمدصالح بن احمد، شرح الکافی - الأصول و الروضة، ج ۸، ص ۳۳۵ و ج ۱۲، صص ۴۲، ۲۴۶؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، ج ۵۵، ص ۳۱۹ و ج ۷۲، ص ۱۳۱ و ج ۶۲، صص ۸۳-۸۲.

۲. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۵۰۶ و ج ۲، صص ۴۳۰-۴۳۱؛ ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، ج ۱۹، ص ۳۸۲.

۳. مازندرانی، محمدصالح بن احمد، پیشین.



با این همه گفتنی است که در صورتی که هیچ کدام از جمع‌های عرفی فوق مورد پذیرش قرار نگیر بین دو دسته روایات در مورد بیماری‌های واگیر دار تعارض رخ می‌دهد و هر دو دسته از حجیت ساقط شده و نتیجه اینکه روایات نسبت به بیماری‌های واگیر دار ساکت می‌شوند.^۱

۲- رسول خدا ﷺ فرمود: «فرار از وباء مثل فرار از میدان جنگ است»^۲ و همچنین روایات زیادی که از طریق عامه در منع از دخول و خروج از سرزمینی که در آن وباء آمده است نقل شده است.^۳

بررسی دلیل دوم: در مکتب امامیه موارد زیادی وجود دارد که ائمه هدی علیهم‌السلام توضیحاتی راجع به روایات نقل شده از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم داده‌اند که نوعاً در مقابل برداشت‌های سطحی و ظاهری که بدون در نظر گرفتن قرائن کلام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بوده است، انجام گرفته.^۴ در مورد حدیث محل بحث، حلبی می‌گوید: «از امام صادق علیه‌السلام پیرامون وبایی پرسش کردم که در گوشه‌ای از شهر پدید آمده بود و شخصی به گوشه دیگری می‌رود، یا از آن شهر به سرزمین دیگری می‌رود؟! امام علیه‌السلام فرمود: اشکالی ندارد، پیامبر ص هنگامی آن را ممنوع داشت که این بیماری در میان مرزداران دشمن بود که میانشان وباء افتاده بود و همه از وباء می‌گریختند. پس پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «گریزنده از آن همچون گریزنده از جنگ است» تا مبادا مراکزشان از نیرو تهی گردد».^۵

۱. محقق خراسانی، محمدکاظم بن حسین، کفایة الأصول، صص ۳۰۳، ۳۰۸، ۴۳۹، ۴۴۱؛ مرتضی‌عبدالجباری و دیگران، اتانازی و احتضار، ص ۵۹.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۸، صص ۱۰۸، ۱۹۶ و ج ۲، صص ۱۲۳، ۲۵۴.

۳. مازندرانی، محمدصالح بن احمد، پیشین، ج ۸، صص ۳۳۵ و ج ۱۲، صص ۴۲، ۲۴۶.

۴. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، ج ۷، ص ۲۵۲ و ج ۱، صص ۳۳۱، ۴۰۲، ۶۲۲ و ج ۲، صص ۲۸۶ و ج ۵، صص ۳۸۰ و ج ۲، ص ۱۰۵.

۵. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۵۰۶ و ج ۲، صص ۴۳۰-۴۳۱.

۳- امام کاظم علیه السلام در روایتی فرمودند: «زمانی که طاعون واقع در اهل مسجد شد، نباید از آن مسجد فرار کرد...»^۱. برداشت ظاهری از حدیث این است اگر طاعون در مسجد آمد دیگر از طاعون فرار نکن و اینکه باید عادی سازی صورت گیرد و دوری کردن از بیماری بی‌معناست. برخی با استناد به همین احادیث سعی در مقابله با فاصله‌گذاری اجتماعی در مساجد و اماکن مقدسه کردند و اینگونه توجیه کردند که مسجد محل توجّه به خداست و فرار از مسجد مثل فرار از خداست و فرار از مسجد با مشیئت الهی منافات دارد و همچنین با وجوب رضایت به تقدیر الهی در تضاد است.^۲

۶۱

بررسی دلیل سوم: فهم روایات نیاز به مقدماتی دارد که بدون توجّه به آنها چه بسا منجر به برداشت‌های ناصحیح از آنها شود. از جمله‌ی مقدمات، علوم ادبی و بلاغی است و همچنین تتبع در احادیث ابواب مختلف و پیدا کردن منحصص و یا مقیدهای کلام. حال در متون روایی حدیث بعد از همان حدیثی که از امام کاظم علیه السلام نقل شد، از علی بن جعفر (برادر امام کاظم علیه السلام) است که از حضرت سؤال می‌کند از وبایی که در سرزمینی آمده که آیا جایز است انسان فرار کند؟ حضرت فرمودند: «فرار کند مادامی که وباء واقع نشود در مسجدی که در آن نماز می‌خواند...»^۳. این حدیث به خوبی توضیح حدیث قبل را می‌دهد و قید «که در آن نماز می‌خواند» در کلام حضرت دو بار صفت برای مسجد قرار گرفته است و روایت به این معناست که اگر وبا در جایی پدیدار شود فرار از آن اشکال ندارد اما به شرط اینکه واقعاً فرار از وبا باشد. مفاد این روایت این است که اگر وبا در جایی پیدا شد فرار از آن اشکال ندارد مگر اینکه به گونه‌ای

۱. همان.

۲. آملی، میرزا محمدتقی، مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، ج ۵، ص ۳۷۹.

۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۲، صص ۴۳۰-۴۳۱ و ج ۱۱، ص ۵۰۶.

گسترش پیدا کرده باشد که اهل مسجدی که در آن نماز می‌خواند هم به آن مبتلا شده باشند، در این صورت فرار جا ندارد چون اصلاً فرار صدق نمی‌کند بلکه اگر از آنجا به جای دیگری هم برود در حقیقت ناقل بیماری است. در حقیقت این روایت حدّ شیوع بیماری را به غرض قرنطینه کردن مطرح می‌کند لذا اگر بیماری به حدّ شیوع پیدا کند که در اهل مسجد یک محل هم دیده شود، اهل آن محل باید قرنطینه شوند و حق خروج از آن محل را ندارند.^۱

۴- هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمودند: علی بن الحسین علیه السلام در حالی که سوار بر مرکب بود از گروهی جزامی که در حال غذا خوردن بودند عبور کرد، آنها حضرت را دعوت به غذا خوردن کردند و حضرت در جواب فرمودند: اگر روزه نبودم می‌خوردم. وقتی حضرت به منزل رسید دستور دادند غذای لذیذی پخته شود و در موقع افطار بیماران جزامی هم دعوت شدند و حضرت با آنها غذا خورد.^۲ یا روایتی از جابر که می‌گوید: «پیامبر صلی الله علیه و آله با جزامیان غذا می‌خورد و می‌فرمود: می‌خوردم در حالی که اعتماد و توکلم بر خداست».^۳

بررسی دلیل چهارم: به نظر می‌رسد این روایات با روایت فرار از جزامی تعارض مستقرّ ندارد و با پذیرش سرایت هم منافات ندارند. روایت هشام و روایت منقول از جابر ممکن است به این دلیل باشد که ائمه و انبیاء علیهم السلام از عدم ابتلای به این بیماری مطمئنند چون معصومند و معصومین دچار بیماری‌هایی که موجب نفرت و انزجار مردم می‌شود نمی‌گردد و از این بیماری‌ها عصمت دارند

۱. سعید سلیمانی، هم سونی حوزه‌های سلامت و دین در بر خورد با کووید ۱۹، ص ۱.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ۱۲۳، ۲۵۴ و ج ۸، صص ۱۰۸، ۱۹۶.

۳. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، ج ۵۵، ص ۳۱۹ و ج ۷۲، ص ۱۳۱ و ج ۶۲، صص ۸۳-۸۲.

و لذا مطمئنند که با هم سفره شدن با جزامیان به بیماری مبتلا نمی‌شوند و این معنایش نفی سرایت و واگیر در حق دیگران هم نیست.^۱

۵- روایتی که مغیره نقل می‌کند و دلالت دارد بر اینکه مؤمن مبتلاء به جزام و برص و.... نمی‌شود لذا سرایت در حق مؤمنین وجود ندارد و بیماری‌های مسری مثل کرونا در مورد غیر مؤمن‌هاست و نتیجه آن این است که مؤمنان نیاز به مسأله فاصله‌گذاری اجتماعی و رعایت اصول بهداشتی در مورد بیماری‌های واگیردار ندارند.

۶۳

بررسی دلیل پنجم: از مجموع جواب‌هایی که به دلیل دوم و سوم داده شد جواب این مورد هم روشن است چرا که با تتبع در روایات مکتب امامیه جواب این مورد هم قابل استفاده است چرا که همین جمله را راوی از امام محمدباقر علیه السلام پرسیده و حضرت اینگونه جواب دادند:

«او از صاحب یاسین (حبیب نجار که داستان‌ش در سوره یس آمده است) غافل است که دستش چلاق بود... آنگاه امام فرمود: مؤمن به هر بلائی مبتلا می‌شود و به هر مرگی می‌میرد ولی خودکشی نمی‌کند.»^۲

و همچنین امام صادق علیه السلام در روایتی سه بار فرمودند:

«مؤمن نزد خدای عزوجل بهترین مقام را دارد، اگر خدا مؤمن را به بلاء مبتلاء کند و سپس او را قطعه قطعه کند تا جان‌ش را بگیرد، باز هم او خدا را بر آن حالت شکر می‌کند.»^۳

مرحله دوم: ادله واقعیت‌دار بودن بیماری‌های واگیردار در اسلام

۱- حدیثی که شیخ صدوق رحمته الله از رسول خدا صلی الله علیه و آله ذکر می‌کند:

۱. مازندرانی، محمدصالح بن احمد، پیشین.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، صص ۱۲۳، ۲۵۴ و ج ۸، صص ۱۰۸، ۱۹۶.

۳. همان.

«پیامبر خدا ﷺ فرمود: ای امت! خداوند بیست و چهار چیز را بر شما نمی‌پسندد و شما را از آنها نهی می‌کند... و اینکه انسانی با جزامی سخن بگوید مگر اینکه میان او و جزامی به مقدار یک ذراع فاصله باشد و فرمود: از جزامی فرار کن همان گونه که از شیر فرار می‌کنی...»^۱

۲- حدیثی از پیامبر ﷺ که فرمودند: «شخص سالم بر مریضی که بیماری واگیردار دارد، وارد نشود.»^۲

۳- شخصی که دارای بیماری جزام بود، برای بیعت کردن نزد پیامبر ﷺ آمد و دستش را به نشانه بیعت به سوی حضرت دراز کرد، آن حضرت به جای اینکه دست بیعت به او بدهد فرمودند: «دستت را برگردان با تو بیعت کردم و بیعت تو را قبول کردم.»^۳ یا شخصی که برای بیعت با پیامبر ﷺ به سمت مدینه می‌آمد، حضرت به او خبر دادند که «داخل شهر نشو، من با تو از راه دور بیعت کردم و از همانجا برگرد.»^۴

۴- حدیثی از پیامبر ﷺ که فرمودند: «نگاه کردن به کسی که جزام دارد را طولانی نکنید و اگر با او صحبت می‌کنید بین او و شما به اندازه یک نیزه فاصله باشد.»^۵

۱. صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۵۷ و ج ۴، ص ۳۵۷؛ فاضل موحدی لنکرانی، محمد، اصول فقه شیعه، ج ۱، ص ۲۴؛ فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ج ۲، ص ۲۰۸؛ واسطی و دیگران، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۱، ص ۱۲۳؛ سلیمانی، سعید، بررسی و تحلیل ادبی استثناء منقطع و نقش آن در تفسیر قرآن، صص ۱۹، ۱۰۲.

۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، ج ۵۵، ص ۳۱۹ و ج ۷۲، ص ۱۳۱ و ج ۶۲، صص ۸۳-۸۲.

۳. همان.

۴. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۳۲، ص ۲۲۳.

۵. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، پیشین.

۵- حدیثی از پیامبر ﷺ که فرمودند: «اگر طاعون در شهری است که شما در آن هستید از آن شهر خارج نشوید» و همچنین فرمودند: «اگر طاعون در شهر دیگری است شما داخل آن شهر نشوید».^۱

مرحله سوم: تأیید واقعیت‌دار بودن بیماری‌های واگیردار در اسلام توسط فتاویٰ فقهاء امامیه

۱- «جزام» عیبی است که مجوز فسخ نکاح است. شهید ثانی در کتاب «روضه» در ادامه این بحث به‌عنوان دلیل بر جواز فسخ نکاح می‌نویسد:

«جزام عیبی است که منجر به ضرر به دیگری است و ضرر در اسلام نفی شده است و جزام از بیماری‌هایی است که به اتفاق اطباء واگیر دار است و پیامبر ص فرمودند فرار کنید از مجذوم مثل فرار از شیر».^۲

۲- از شروط حضانت مادر این است که مادر بیماری مسری نداشته باشد. برخی از فقهاء معتقدند اگر مادر به بیماری مسری مبتلا باشد حق حضانت او ساقط است چرا که ثبت حق حضانت برای مادر در فرض سرایت بیماری ضرر بر کودک است و ادله نفی ضرر چنین حقی را نفی می‌کند.^۳

۳- کاشف الغطاء در بحث استفاده از حمام و شرایط آن، در ضمن شرط چهارم می‌نویسد:

«باید بدن خالی از امراض مسریه باشد و نباید اینگونه موارد را مخفی کند و اگر صاحب حمام پی به چنین بیماری برد باید بیمار را از داخل شدن به حمام منع کند».^۴

۱. علم الهدی، علی بن حسین، أمالی المرتضی، ج ۲، ص ۲۰۱.

۲. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، ج ۱، صص ۳۳۱، ۴۰۲، ۶۲۲ و ج ۲، صص ۱۰۵، ۲۸۶ و ج ۵، صص ۳۸۰ و ج ۷، صص ۲۵۲.

۳. صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام في شرح شرائع الإسلام، ج ۳۱، ص ۲۸۸.

۴. کاشف الغطاء، جعفر بن خضر مالکی، کشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء، ص ۱۸۹.



۴- جواز فرار از وبا و طاعون؛ که این فتوی مبتنی بر پذیرش احتمال سرایت است و گرنه اگر سرایت واقعیت نداشت فرار وبا از معنا نداشت.^۱

۵- مورد دیگر سقوط وجوب روزه در صورت احتمال سرایت و واگیر است. یعنی اگر کسی احتمال عقلایی می‌دهد در اثر روزه به بیماری مسری مبتلا شود و بیماری به او سرایت کند، روزه بر او واجب نیست.^۲

۶- بحث دیگر، دیات و قصاص و تعزیر و ضمان خسارت به سبب سرایت و واگیر است. اگر کسی به بیماری مسری مبتلاست و بر اثر معاشرت با دیگران، بیماری را به دیگران هم سرایت بدهد، چنانچه دیگری در اثر این بیماری بمیرد یا برخی از اعضا و منافع او از بین برود و احراز شود معاشرت او منشأ سرایت بیماری به دیگران بوده است، بر اساس عمدی یا خطایی بودن بحث ثبوت قصاص و دیه مطرح می‌شود. و همچنین اگر به واسطه سرایت خسارتی به دیگری متوجه شود منشأ ضمان خواهد بود مثلاً در اثر سرایت بیماری اموال دیگری ضایع شوند و از بین بروند (مثلاً حیوانات او تلف شوند) یا از ارزش آنها کاسته شود.

۱. یزدی، سید محمدکاظم طباطبایی، العروة الوثقی فیما تعم به البلوی، ج ۲، ص ۲۲.
۲. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، پیشین.

نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج به دست آمده، نظریه عدم واقعیت بیماری‌های واگیردار مستند به چند روایت است که در مقابل معنای ظاهری و سطحی تمام آن روایات، وجه جمع‌های متعدد مطرح است که برخی از آنها با توجه به قرائن موجود و تصریح روایات ائمه علیهم‌السلام که ناظر به روایات نبوی است، قطعی بوده و جایی برای برداشت‌های ناصحیح از روایات نبوی باقی نمی‌گذارد. مضاف بر اینکه بر نظریه واقعیت‌دار بودن بیماری واگیر دار ادله‌ای دارد که منکران بیماری واگیردار باید توجه به این مهم داشته باشند که باید بتوانند کنار ادله‌ی خودشان این ادله را معنا کنند. و در نهایت آنچه نسبت واقعیت‌دار بودن بیماری‌های واگیردار به اسلام را قطعی و بلکه ضروری قرار می‌دهد وجود روایاتی دال بر قطع زنجیره انتقال بیماری واگیردار و توصیه‌ی معصومان علیهم‌السلام در جهت فاصله‌گذاری اجتماعی در دوران بیماری‌های واگیردار است که در زمان حاضر که دنیا مبتلاء به ویروس منحوس کووید ۱۹ شده، علمی‌ترین توصیه‌ای که تا کنون از طرف دانشمندان رشته پزشکی مطرح شده همین فاصله‌گذاری اجتماعی است که در روایات ما آموزه‌هایی از آن مطرح شده است. از طرفی فهم فقهای عظام از زمان أصحاب امامان معصوم علیهم‌السلام تا کنون، مؤید واقعیت بیماری واگیردار است که همه آنها بجز در مواردی که به صورت احتمال مطرح شده اذعان به وجود و واقعیت بیماری واگیر دار کرده‌اند، که این مهر تأییدی بر پذیرش مسأله اصلی پژوهش حاضر یعنی بیماری‌های واگیردار جسمی از دیدگاه اسلام است. سرایت در نوع دیگری از بیماری‌ها که تعبیر به بیماری روحی می‌شود نیز از دیدگاه اسلام پذیرفته شده است که در بحث سلامت و بیماری‌های معنوی به آنها پرداخته می‌شود.^۱

۱. ر.ک: مرتضی عبدالجباری و دیگران، ملاک انسان سالم از نگاه متون دینی، ص ۱۱۱.

فهرست منابع

۱. آملی، میرزا محمدتقی، *مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی*، تهران: مؤلف، تهران، ۱۳۸۰ق.
۲. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله، *شرح نهج البلاغة*، قم: مکتبته آیه‌الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۳ق.
۴. ابن حنبل، احمد بن محمد، *مسند الإمام أحمد بن حنبل*، بیروت: مؤسسه الرسالة، ۱۴۱۶ق.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، قم: مؤسسه آل‌البتین، ۱۴۰۹ق.
۶. سبحانی، جعفر، *إرشاد العقول الی مباحث الأصول*، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم، ۱۴۲۴ق.
۷. _____، *کلیات فی علم الرجال*، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۸ق.
۸. سلیمانی، سعید، «هم سوئی حوزه‌های سلامت و دین در بر خورد با کووید ۱۹»، *مجله علمی پژوهشی پژوهش در دین و سلامت*، شماره ۲۳ دوره ۶ ش ۲، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران لینک مقاله <https://doi.org/10.22037/jrrh.v6i2.30275>
۹. _____، *بررسی و تحلیل ادبی استثناء منقطع و نقش آن در تفسیر قرآن*، پایان نامه سطح ۳، ۱۳۹۳-۱۳۹۲.
۱۰. _____، *توضیح مضمونی کتاب معنی‌الادیب*، قم: سروش یار مهربان، قم، ۱۳۹۸.
۱۱. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلاتر)*، قم: کتابفروشی داوری، قم، ۱۴۱۰ق.



جمع عرفی در تعارض روایات بیماری‌های واگیردار و دلالت بر فاصله‌گذاری اجتماعی

۱۲. صدر، محمدباقر، *بحوث فی علم الأصول*، ج ۳، قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل البيت عليه السلام، ۱۴۱۷ ق.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن، *العُدّة فی أصول الفقه*، قم: محمدتقی علاقبندیان، ۱۴۱۷ ق.
۱۴. عبدالجباری، مرتضی و دیگران، «*اتانازی و احتضار*»، مجله پژوهش در دین و سلامت، دوره ۱، ش ۱ (۱۳۹۳).
۱۵. _____ «*ملاک انسان سالم از نگاه متون دینی*»، مجله پژوهش در دین و سلامت، دوره ۴، ش ۱، زمستان ۱۳۹۶.
۱۶. علم الهدی، علی بن حسین، *أمالی المرتضی*، قاهره: دارالفکر العربی، ۱۹۹۸ م.
۱۷. فاضل موحدی لنکرانی، محمد، *اصول فقه شیعه*، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار عليه السلام، ۱۳۸۱.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم: نشر هجرت، ۱۴۱۰ ق.
۱۹. فیومی، احمد بن محمد، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*، قم: منشورات دار الرضی، [بی تا].
۲۰. قائنی، درس خارج آیت الله قائنی، *مسائل پزشکی*، جلسه ۱۹ تا ۳۵، سال ۱۳۹۹، قم مقدس.
۲۱. کشی، محمد بن عمر، *رجال کشی*، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۹۰ ق.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
۲۳. مازندرانی، محمدصالح بن احمد، *شرح الکافی - الأصول و الروضة*، تهران: المكتبة الإسلامية، ۱۳۸۲ ق.
۲۴. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحار الأنوار*، بیروت: دارإحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۲۵. مجلسی دوم، محمدباقر بن محمدتقی، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۴ ق.



۲۶. محقق خراسانی، محمد کاظم بن حسین، *کفایة الأصول*، ج ۳، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
۲۷. میر صالحیان، اکبر؛ دالوند، مصیب، «تاریخچه بیماری‌های عفونی باکتریایی شایع در ایران»، *مجله میکروب شناسی پزشکی ایران*، سال ۱۲، ش ۴ مهر و آبان ۱۳۹۷.
۲۸. نجفی، جعفر بن خضر، *عن مبهمات الشریعة الغراء*، اصفهان: انتشارات مهدوی، [بی تا].
۲۹. نجفی، محمدحسن، *فی شرح شرائع الإسلام*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.
۳۰. هاشمی، احمد، *جواهر البلاغة*، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱.
۳۱. واسطی و دیگران، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ ق.
۳۲. یزدی، سید محمدکاظم طباطبایی، *العروة الوثقی فیما تعم به البلوی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ ق.

